فصلنامه چشم انداز حسابداری و مدیریت
دوره ۹، شماره ۱۱۷، تابستان ۱۴۰۵ (جلد سوم)

www.jamv.ir
ISSN: 2645-4572

تحلیل تطبیقی و تکوینی مبانی حسابداری در تمدن اسلامی؛ پیوندی بین شریعت و گزارشگری اخلاقی

چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره نهم)
شماره ۱۱۷/ تابستان ۱۴۰۵ (جلد سوم)/ صص ۷۷-۹۱

قدیر سورانی
دکتری حسابداری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسئول).
Sorani9898gh@gmail.com
مرجان امیرخانی
دانشجوی دکتری حسابداری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.
amirkhani.marjan73@yahoo.com

چکیده
برخلاف دیدگاه رایجی که حسابداری اسلامی را صرفاً نسخه‌ای مدرن از چارچوب‌های غرب‌محور می‌داند، شواهد تاریخی حاکی از آن است که این نظام به صورت خودجوش در بطن تمدن اسلامی تکوین یافته است. پژوهش حاضر با رویکردی گسترده، به واکاوی روند تکامل حسابداری اسلامی به عنوان یک نهاد مالی–اخلاقی و پتانسیل آن در پاسخگویی به بحران‌های مالی جهانی می‌پردازد. هدف اصلی این مطالعه، تبیین سیر تاریخی توسعه حسابداری، شناسایی تنگناهای معرفت‌شناختی در دوران معاصر و سنجش نقش این حوزه در ارتقای امور مالی اخلاقی و پایداری است. با اتکا به روش‌شناسی کیفی و بهره‌گیری از ابزارهای تحلیل تاریخی، تفسیر هرمنوتیکی و تحلیل گفتمان، داده‌های گردآوری شده از اسناد اداری کلاسیک، متون فقهی، دستورالعمل‌های حوزه حسبه و استانداردهای نوین (نظیر AAOIFI و PSAK Syariah) مورد واکاوی قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رویه‌های حسابداری از عصر نبوت آغاز شده، در دوران خلافت راشدین (به‌ویژه در ساختار بیت‌المال) تقویت گشته و در دوران عباسی از طریق مکانیزم‌های نظارت اخلاقی و تنظیم بازار، جنبه رسمی یافته‌اند. در بخش معاصر، نتایج حاکی از وابستگی ساختاری حسابداری اسلامی به الگوهای غربی و چالش‌های ناشی از تحولات دیجیتال است. با این حال، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با عملیاتی‌سازی «مقاصد شریعت» در سیستم‌های گزارشگری، حسابداری اسلامی می‌تواند پیشران مناسبی برای تحقق اهداف پایداری و شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی باشد. در نهایت، این مطالعه بر ضرورت بازسازی معرفت‌شناختی، توسعه حاکمیت شریعت در فضای دیجیتال و ادغام مفاهیم پایداری تأکید می‌ورزد.

کلمات کلیدی: حسابداری اسلامی، تمدن اسلامی، مقاصد شریعت، گزارشگری اخلاقی.

مقدمه
افزایش رقابت در تجارت مدرن نه تنها مستلزم حداکثرسازی سود است، بلکه رعایت اصول اخلاقی را نیز می‌طلبد، جایی که حسابداری نقش استراتژیکی در تضمین رعایت اخلاقی، اجتماعی و معنوی، به ویژه در چارچوب اسلامی، ایفا می‌کند. اخلاق تجاری اسلامی مبتنی بر ارزش‌های شریعت است که بر عدالت، صداقت، مسئولیت اجتماعی و راستگویی تأکید

www.jamv.ir
ISSN: 2645-4572

دارد. با این حال، فعالیت‌های عملی تجاری اغلب شکافی بین این اصول و شیوه‌های تجاری نشان می‌دهند، همانطور که در موارد کلاهبرداری و تخلفات اخلاقی مشاهده می‌شود (آندریانتو و همکاران، ۲۰۲۶). جوامع اسلامی با ترویج ارزش‌های فقهی و موازین شرعی، همواره در پی تحکیم سطح پایبندی به اخلاق‌گرایی هستند و این مسأله باعث شده تا بسیاری از کشورها در کنار استانداردها و قوانین بین‌المللی، احکام اسلامی را برای رسیدن به مشروعیت بیشتر، مدنظر قرار دهند. (کشاورزی نژاد و همکاران، ۱۴۰۲). حسابداری به مثابه ابزاری بنیادین برای استقرار شفافیت، پاسخ‌گویی و حاکمیت اخلاقی در تمامی نظام‌های اقتصادی شناخته می‌شود. در جهان امروز، فارغ از بسترهای مذهبی یا فرهنگی، این رشته به‌عنوان رکن اصلی مشروعیت‌بخشی سازمانی و تقویت اعتماد عمومی در نهادهای مالی عمل می‌کند (زاهد و همکاران، ۲۰۲۴؛ آلامد، ۲۰۲۵). با این حال، در جوامع مسلمان و به تبع آن در نظام مالی اسلامی، حسابداری ابعاد مفهومی و ارزشیِ متمایزی می‌یابد؛ به گونه‌ای که از آن انتظار می‌رود علاوه بر رعایت استانداردهای فنی، با مبانی اخلاقی و اصول تمدنی اسلام نیز هم‌راستا باشد. این دوگانگی در انتظارات، هسته مرکزی مسئله‌شناسی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. علیرغم رشد چشمگیر صنعت مالی اسلامی که حجم دارایی‌های آن از مرز ۴ تریلیون دلار فراتر رفته است (هیات استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۲۳). همچنان تردیدهای جدی در خصوص انطباقِ رویه‌های حسابداریِ حاکم با معرفت‌شناسی، جهان‌بینی فرهنگی و آرمان‌های اخلاقی تمدن اسلامی وجود دارد. این چالش تنها محدود به حوزه حسابداری نیست، بلکه برای صاحب‌نظران حوزه‌های جامعه‌شناسی، تاریخ، اخلاق کسب‌وکار و مطالعات تمدنی که در پی درکِ تأثیر چارچوب‌های فلسفی بر سیستم‌های اقتصادی هستند، نیز حائز اهمیت است. در بُعد عملیاتی، نهادینه‌سازی شتاب‌زده مالی اسلامی و پذیرش استانداردهای حسابداری مربوطه، پرسش‌های بنیادینی را پیرامون اصالت و انسجام این نظام مطرح کرده است. شواهد نشان می‌دهد که بسیاری از نهادهای مالی اسلامی همچنان بر چارچوب‌های حسابداری غربی متکی بوده و تنها با اعمال تعدیلات صوری، به دنبال انطباق با الزامات شریعت هستند (مرشد، ۲۰۲۴؛ توماندرو و همکاران، ۲۰۲۴؛ هدی، ۲۰۲۶). اگرچه چنین انطباق‌هایی از دیدگاه اجرایی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید، اما این رویکرد، حسابداری اسلامی را تا سطح یک پیوست فنی برای سیستم‌های متعارف تنزل داده و آن را از جایگاه یک رشته مستقلِ ریشه‌دار در معرفت‌شناسی اسلامی دور می‌کند. این مسئله منجر به بروز تنش میان الزامات عملیاتی مدرن و هویت تمدنیِ مورد انتظار از حسابداری اسلامی شده است (آلریگ و آسوتای، ۲۰۲۳). بر همین اساس، واکاوی این چالش نیازمند بررسی دقیق سیر تاریخی تطور حسابداری در جوامع مسلمان و نحوه هم‌افزایی رویه‌های معاصر با میراث اخلاقی و فکری اسلامی است (الشوکرات و همکاران، ۲۰۲۵؛ رحمان و آمالی، ۲۰۲۶).

پژوهش‌های اخیر، بینش‌های ارزشمندی را درباره سیر تحول و نهادینه‌سازی حسابداری اسلامی فراهم آورده‌اند. مطالعات متعددی به بررسی شکل‌گیری ساختارهای رسمی نظارتی پرداخته‌اند؛ به‌ویژه نقش سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی (AAOIFI و استانداردهای ملی نظیر PSAK Syariah) مورد توجه قرار گرفته است (حسن و ربانی، ۲۰۲۳؛ حدیب، ۲۰۲۵). این آثار حاکی از آن‌اند که حسابداری اسلامی به‌طور فزاینده‌ای از طریق نهادهای استانداردگذار، ارگان‌های ناظر و مؤسسات مالی اسلامی، قاعده‌مند شده است. در پارالل با این جریان، پژوهشگرانی دیگر نهادهای تاریخی تمدن اسلامی همچون حسبه (نظارت بر بازار)، دیوان زکات و مدیریت وقف را بازخوانی کرده‌اند تا نشان دهند پاسخ‌گویی و ثبت مالی، اجزای جدایی‌ناپذیر حکمرانی در تمدن اسلامی کلاسیک بوده‌اند (اصلاحی، ۲۰۱۵؛ الماوردی، ۱۹۹۶). این دسته از مطالعات گواه آن است که اخلاق مالی و نظارت عمومی از دیرباز در جامعه مسلمانان ریشه داشته است. در همین راستا، صاحب‌نظرانی مانند حنیفه و حدیب (۲۰۰۱)، حمید (۲۰۰۰)، و سلیمان (۲۰۰۳)، استدلال کرده‌اند که حسابداری اسلامی می‌بایست بازتابی از ارزش‌های اسلامی عدالت (عدل)، شفافیت (امانت) و رفاه

www.jamv.ir
ISSN: 2645-4572

عمومی (مصلحت) باشد، نه آنکه صرفاً بازطراحی‌ای بر رویه‌های متعارف حسابداری. ناپیر (۲۰۰۹)، نیز تأکید می‌ورزد که حسابداری اسلامی نباید از زمینه فکری و فرهنگی گسترده‌تر اسلام که چگونگی فهم و قاعده‌گذاری فعالیت‌های اقتصادی را شکل می‌دهد، منتزع گردد. در عین حال، پژوهش‌های نوپا در پی جای‌گذاری حسابداری اسلامی در گفتمان‌های جهانیِ مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، پایداری و مالی اخلاقی بوده و نشان داده‌اند که اصول اسلامی می‌توانند سهمی معنادار در این عرصه‌های رو به گسترش ایفا کنند (دوسوکی، ۲۰۰۸؛ کاملا، ۲۰۰۹؛ مالی و ناپیر، ۲۰۱۰).

اگرچه این مجموعه آثار ادبیات موجود را غنی‌تر ساخته‌اند، اما محدودیت‌های متعددی همچنان پابرجاست. نخست آنکه، تحلیل‌های تاریخی حسابداری اسلامی عمدتاً پراکنده و موردی‌اند؛ بسیاری از مطالعات صرفاً بر اجزایی خاص نظیر حسبه یا اداره وقف متمرکز بوده و روایتی منسجم ارائه نکرده‌اند که شیوه‌های کلاسیک را به چارچوب‌های حسابداری مدرن پیوند زند. در نتیجه، پیوستگی فکری میان تمدن اسلامی و حسابداری اسلامی معاصر به‌درستی صورت‌بندی نشده است. دوم، با آنکه پژوهشگران حسابداری به‌درستی اذعان دارند که این رشته پدیده‌ای فرهنگی و اخلاقی است (هاپوود، ۱۹۸۷)، در عمل مطالعات معدودی به بررسی چگونگی بازتاب هویت اجتماعی–فرهنگی و اخلاق تمدنی جوامع مسلمان در حسابداری اسلامی پرداخته‌اند. غالب ادبیات موجود همچنان در محدوده چارچوب‌های انطباق قانونی یا فنی متوقف مانده و از بنیان‌های معرفت‌شناختی عمیق‌تری که دیدگاه‌های اسلامی را از رویکردهای متعارف متمایز می‌سازد، غفلت ورزیده است. سوم، با توجه به تحولات شتابان چشم‌انداز اقتصادی جهانی متأثر از دیجیتالی‌شدن، هوش مصنوعی، بلاکچین، فین‌تک و الگوهای نوین پایداری، پژوهش‌های حسابداری اسلامی در مواجهه با این دگرگونی‌ها از سرعت مطلوبی برخوردار نبوده‌اند؛ به‌گونه‌ای که حسابداری اسلامی تا حد زیادی از گفتمان‌های جهانیِ شکل‌دهنده آینده نظام مالی، فاصله گرفته است. نوآوری اصلی این مطالعه در تدوین یک چارچوب تمدنیِ منسجم نهفته است که حسابداری اسلامی را به‌مثابه رشته‌ای پیوسته، معرفت‌بنیاد و آینده‌نگر بازتعریف می‌کند؛ لنزی تحلیلی که در مطالعات پیشین به‌طور سیستماتیک به کار گرفته نشده است. برخلاف پژوهش‌های گذشته که عمدتاً بر جنبه‌های فنی، نظارتی یا انطباق‌محور تمرکز داشتند، این مطالعه رویکردی تکاملی و جامع را اتخاذ می‌کند که حسابداری اسلامی را در سنت فکری گسترده‌تر تمدن اسلامی شامل الهیات، اخلاق، فقه، هنجارهای اجتماعی–فرهنگی و فلسفه اقتصادی بازمی‌نماید و همزمان، آن را با مباحثات جهانی مدرن درگیر می‌سازد (آئودا، ۲۰۲۲؛ سارتیکا و همکاران، ۲۰۲۶).

از منظر عملیاتی نیز، این پژوهش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با تبیین این موضوع که چگونه درک آگاهانه از ماهیت حسابداری اسلامی می‌تواند هویت نهادی را تقویت کرده، اعتماد عمومی را ارتقا دهد و از تبدیل شدن مؤسسات مالی اسلامی به نسخه‌های سطحی و تقلیدی از حسابداری متعارف جلوگیری کند، این مطالعه گام مؤثری در جهت حفظ اصالت این نهادها برمی‌دارد. یافته‌های این تحقیق، بینش‌های راهبردی ارزشمندی را برای سیاست‌گذاران، نهادهای استانداردگذار، مدرسان و فعالان صنعت فراهم می‌آورد (هیدایت و همکاران، ۲۰۲۴؛ خان و سادیا، ۲۰۲۵). اهمیت این بینش‌ها در مواجهه با پیشرفت‌های شتابان فناورانه، از جمله نوآوری‌ها در امور مالی دیجیتال (مانند خدمات پرداخت الکترونیکی و مدل‌های خرید و پرداخت در تاریخ آتی)، بیش از پیش نمایان است (آدیاپوتری و سوراوان، ۲۰۲۵). در پهنه دانشگاهی، این مطالعه با بازنمایی نحوه تجسم ساختارهای اخلاقی و فرهنگی در حیات اقتصادی، بستری برای تعاملات میان‌رشته‌ای فراهم می‌سازد. در نهایت، این تحقیق با فراتر رفتن از یک تحلیل تاریخی صرف و قرار دادن حسابداری اسلامی در پیوستار تمدنی اسلام، به بازسازی مستمر اندیشه اقتصادی اسلامی کمک کرده و نقش حسابداری را در پی‌ریزی یک نظام اقتصادی جهانیِ عادلانه‌تر، اخلاقی‌تر و پایدارتر که ریشه در ارزش‌های اصیل اسلامی دارد، تقویت می‌کند.

www.jamv.ir
ISSN: 2645-4572

روش‌شناسی

این مطالعه با اتخاذ یک پارادایم کیفی–تفسیری، از رویکردی چندلایه متشکل از روش‌شناسی‌های تاریخی، هرمنوتیکی و تحلیل اسنادی برای واکاوی سیر تطور حسابداری اسلامی بهره می‌برد. از آنجا که هدف این پژوهش، کشف بن‌مایه‌های اخلاقی و مبانی معرفت‌شناختیِ نهفته در شیوه‌های حسابداریِ ریشه‌دار در فرهنگ اسلامی است، طرح پژوهش کیفی به‌عنوان مناسب‌ترین استراتژی برای عبور از تقلیل‌گراییِ کمی و درک عمق مفهومی انتخاب شده است. این چارچوب به محقق اجازه می‌دهد تا پیچیدگی‌های نهادی و تحولات مفهومیِ این رشته را فراتر از تعاریف فنی، در بستر تمدنی و ارزش‌بنیادِ آن ترسیم نماید. گردآوری داده‌ها در این مطالعه بر پایه تحلیلِ انتقادیِ منابع ثانویه متمرکز است که شامل متون کلاسیک، سوابق اداری تاریخی، ادبیات علمی و چارچوب‌های تنظیمی معاصر می‌باشد. در لایه نخست، با استناد به آثار اندیشمندانی همچون الماوردی، ابن‌خلدون، ابن‌تیمیه و غزالی، مبانیِ نهادی و انگاره‌های اخلاقی مرتبط با پاسخگویی استخراج شده است. این میراث در لایه دوم با ادبیات آکادمیک مدرن (مانند دیدگاه‌های بایدون و ویلت، ۲۰۰۰؛ حنیفه و هدیب، ۲۰۰۱؛ ناپیر، ۲۰۰۹)، و استانداردهای نهادی نظیر AAOIFI و دستورالعمل‌های بین‌المللی ESG و UN-SDGs تلفیق شده‌اند تا پیوستگیِ تاریخی و کارکردِ معاصرِ حسابداری اسلامی به شکلی جامع مورد نقد و بررسی قرار گیرد. برای تحلیل این پیکره عظیم از داده‌ها، پژوهش از یک چارچوب روش‌شناختی سه‌گانه و مکمل استفاده می‌کند. ابتدا، تحلیل تاریخی بر اساس مدل هاول و پرونییر (۲۰۰۱)، سیر تحول نهادی حسابداری را در تمدن اسلامی بازسازی می‌کند. سپس، تفسیر هرمنوتیکی با الهام از رویکرد گادامر (۲۰۰۴)، به رمزگشایی از متون کلاسیک پرداخته و لایه‌های معناییِ نهفته در مفاهیم اخلاقیِ پاسخگویی را آشکار می‌سازد. در نهایت، تحلیل گفتمان انتقادی مبتنی بر مدل فرکلاف (۲۰۱۳)، این آموزه‌ها را در بستر مباحث جهانیِ معاصر، از پایداری گرفته تا تحول دیجیتال، بازخوانی کرده و جایگاهِ حسابداری اسلامی را به‌عنوان یک الگوی هنجاریِ متمایز در فضای مالیِ نوین تبیین می‌کند. فرآیند تحلیل اسناد بر اساس رویه ساختاریافته‌ی باون (۲۰۰۹)، هدایت شده است که طی آن، مطالب مرتبط پس از نگاشتِ موضوعی، در چرخه‌ای از مطالعه انتقادی مکرر، کدگذاری و به روایت‌های تفسیری تبدیل شده‌اند. به‌منظور تضمین دقت و اعتبارسنجی یافته‌ها، از «مثلث‌بندی روش‌شناختی» استفاده شده و مسیر حسابرسی پژوهش مطابق با معیارهای اعتماد لینکلن و گوبا (۱۹۹۴)، به‌طور کامل مستند گردیده است. این چارچوب دقیقِ روش‌شناختی، نه تنها روایی تفاسیر را تأمین می‌کند، بلکه مبنایی استوار برای اثبات این ادعا فراهم می‌آورد که حسابداری اسلامی رشته‌ای اصیل با ریشه‌های معرفت‌شناختی متمایز است که پتانسیل بالایی برای مشارکت در گفتمان‌های مالی جهانی دارد.

نتایج و بحث

تکامل تاریخی حسابداری اسلامی در تمدن اسلامی

یافته‌های این پژوهش مؤید آن است که حسابداری اسلامی دارای بنیانی تاریخی، عمیق و تثبیت‌شده است که نه تنها از مراحل اولیه حسابداری مدرن غربی پیشی می‌گیرد، بلکه از منظر پیچیدگی ساختاری نیز به‌طور قابل توجهی از آن فراتر می‌رود. این مطالعه از طریق یک تحلیل تاریخی دقیق نشان می‌دهد که مستندسازی مالی در اسلام، فعالیتی پراکنده یا غیررسمی نبوده، بلکه از همان نخستین دوران حاکمیت اسلامی، به عنوان یک عمل نهادینه‌شده در ساختارهای حکومتی تعریف شده بود. در سال‌های آغازین حاکمیت اسلام، کاتبان ویژه‌ای نظیر عبدالله بن ارقم و زبیر بن العوام منصوب می‌شدند که وظیفه «کتابت‌المال» را بر عهده داشتند. عملکرد این افراد با کنترل‌کنندگان مالی معاصر قابل قیاس است؛

www.jamv.ir
ISSN: 2645-4572

چرا که مسئولیت ثبت درآمدها، هزینه‌ها، توافقات قراردادی و مدیریت معاملات در سطح ایالتی را بر عهده داشتند (مالک، ۱۹۹۷؛ الطبری و پرلمن، ۱۹۸۷). فعالیت‌های مذکور گویای آن است که اصول پاسخ‌گویی، شفافیت و ثبت سیستماتیک سوابق، از همان مراحل تکوین جامعه مسلمانان، به‌صورت هدفمند در بدنه دستگاه دولتی تعبیه شده بود. پیچیدگی مدیریت مالی در دوران خلافت عمر بن خطاب، جهشی بنیادین یافت. تحت رهبری او، تأسیس «بیت‌المال» (خزانه‌داری مرکزی) و ایجاد سیستم «دیوان»، پیشرفت‌های نهادی بزرگی را رقم زد. این تحولات، مستندسازی درآمدهای مالیاتی حاصل از منابع مختلف از جمله جزیه، خراج و عشر را در کنار ثبت دقیق توزیع مقرری‌های نظامی، هزینه‌های عمومی و مخارج رفاهی، جنبه رسمی بخشید (الموارد‌ی، ۱۹۹۶). نکته حائز اهمیت این است که روایت‌های تاریخی نشان می‌دهند عمر بن خطاب با بررسی متقابل ثروت والیان، بازرسی ناهنجاری‌های مالی و تأیید سلسله‌وار معاملات دولتی، اشکال اولیه «حسابرسی» را اجرا می‌کرد. چنین سازوکارهایی مستقیماً با مفاهیمی که هاپوود (۱۹۹۴)، و هاپوود و میلر (۱۹۹۴)، در حسابداری مدرن تحت عنوان «سیستم‌های پاسخ‌گویی نهادی» و «کنترل‌های داخلی» تبیین می‌کنند، هم‌خوانی دارد. این شباهت‌ها نشان می‌دهد که حاکمیت اسلامی، قرن‌ها پیش از آنکه این مفاهیم در سنت‌های حسابداری غربی به‌طور رسمی نظام‌مند شوند، اصول نظارت، تأیید و بازرسی اخلاقی را در ساختار خود نهادینه کرده بود. یکی دیگر از یافته‌های کلیدی پژوهش بر این نکته تأکید دارد که رویه‌های حسابداری اسلامی اساساً بر پایه اصول اخلاقی، حقوقی و معنوی مستخرج از قرآن و سنت استوار است. برای نمونه، آیه ۲۸۲ سوره بقره که طولانی‌ترین آیه قرآن است، به‌طور صریح و با جزئیات، بر ضرورت مستندسازی بدهی‌ها و معاملات تأکید و دستور می‌کند.

پژوهشگران کلاسیک و معاصر، این آموزه قرآنی را گواهی متقن بر الزامی‌بودنِ پاسخ‌گوییِ مکتوب در مناسبات مالی دانسته و بر مؤلفه‌هایی همچون دقت، صیانت از حافظه و رعایت انصاف در این رویه‌ها تأکید ورزیده‌اند (حنیف، ۲۰۰۵؛ کهف، ۲۰۰۵). این آیه شریف، علاوه بر جنبه‌های فنی، بُعد اخلاقی ثبت معاملات را نیز برجسته می‌سازد؛ بدین معنا که غایتِ این کنش، استقرار عدالت (عدل)، پیشگیری از منازعات، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و صیانت از اعتماد اجتماعی (امانت) است. از این منظر، حسابداری در سنت اسلامی نه صرفاً ابزاری برای تحقق اهداف بوروکراتیک، بلکه کنشی واجد کارکردهای اخلاقی و اجتماعی است. این خصیصه چندبعدی، شکاف معرفت‌شناختی عمیقی را میان حسابداری اسلامی و همتای سکولار مدرن آن ایجاد می‌کند؛ چرا که نظام اخیر، اولویتِ خود را بر سودمندی تصمیم‌گیری اقتصادی، حمایت از منافع سرمایه‌گذاران و کمی‌سازیِ داده‌های مالی قرار داده و ملاحظات اخلاقی و اجتماعی را در حاشیه قرار می‌دهد. با گسترش تمدن اسلامی، به‌ویژه در عصر عباسیان، معماری نهادیِ حاکم بر مقررات تجاری و مستندات مالی به‌طور فزاینده‌ای پیچیده شد. یکی از نهادهای شاخص در این دوره، «حسبه» بود؛ سیستمی جامع از نظارت بر بازار که مقررات قانونی، التزام به هنجارهای اخلاقی و پایش اقتصادی را در هم می‌آمیخت. متفکران کلاسیک — از جمله غزالی، ابن‌تیمیه و ابن‌خلدون مسئولیت‌های «محتسب» (مقام ناظر بر سلامت بازار) را به‌دقت مستند کرده‌اند (غضنفر و اصلاحی، ۱۹۹۷؛ ابن‌تیمیه، ۲۰۰۵؛ ابن‌خلدون، ۱۹۶۷). این مسئولیت‌ها که شامل تأیید رویه‌های قیمت‌گذاری، سنجش دقت اوزان و مقادیر، مبارزه با تقلب، نظارت بر قراردادها و حفظ رفاه عمومی بود، مستلزم ثبت سیستماتیک قیمت‌ها، موجودی‌ها، استانداردها، تخلفات و جریمه‌ها بوده است؛ کارکردهایی که شباهت‌های ساختاریِ عمیقی با رویه‌های حسابداری مدرن، نظیر حسابرسی، ارزش‌گذاری، نظارت بر انطباق و مدیریت ریسک دارند.

تفسیر هرمنوتیکی آثار کلاسیک نشان می‌دهد که حسابداری اسلامی در بستر تاریخی خود، به مثابه یک نظام جامع عمل کرده که ابعاد گوناگونی از قبیل هنجارهای قانونی مستخرج از «فقه معاملات»، الزامات اخلاقی، انتظارات فرهنگی و مسئولیت‌های معنوی را در بر می‌گرفته است (کاملا، ۲۰۰۹؛ زین‌الدین و همکاران، ۲۰۲۱؛ آلرایگ و آسوتای، ۲۰۲۳؛

www.jamv.ir
ISSN: 2645-4572

کدی، ۲۰۲۵). حسابداری در این الگو، نه یک ابزار فنیِ خنثی، بلکه امتدادی از فلسفه حکومت اخلاقی تلقی می‌شد که هدف آن حفظ عدالت در مبادلات، تضمین نمایش صادقانه واقعیت‌های مالی و حراست از رفاه اجتماعی بود. این ویژگی تلفیقی، پیش‌فرضِ رایج در تحقیقات جریان اصلی حسابداری را که سیستم‌های پیشرفته را محصول انحصاریِ توسعه تجاری غرب می‌دانند، به چالش می‌کشد. در مقابل، یافته‌ها تأیید می‌کنند که رویه‌های حسابداری اسلامی به‌صورت ارگانیک از دلِ ساختارهای فکری، حقوقی و اداری تمدن اسلامی برآمده‌اند. روی‌هم‌رفته، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که حسابداری اسلامی نه یک اقتباسِ تبعی از الگوهای غربی است و نه پاسخی برآمده از ضرورت‌های مالی مدرن؛ بلکه بازنمای سنتی فکری و اصیل است که با حکمرانی اسلامی، فقه و آموزه‌های اخلاقی پیوندی ناگسستنی دارد. تداوم توسعه این دانش، مرهون تعهد تمدنی به عدالت، شفافیت و پاسخ‌گویی است؛ ارزش‌هایی که همچنان در گفتمان‌های معاصر، هم در حوزه حسابداری اسلامی و هم در سطح جهانی، از اهمیت و اعتبار بالایی برخوردارند.

تغییرات پارادایمی و چالش‌های معرفت‌شناختی در حسابداری اسلامی معاصر

در دوران معاصر، یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که حسابداری اسلامی با چالش‌های معرفت‌شناختی عمیقی مواجه است که ریشه در تسلط جهانی چارچوب‌های حسابداری غربی به‌ویژه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی دارد. این استانداردها از منظر تاریخی در بستر مفروضات سرمایه‌داری شکل گرفته‌اند و اهدافی چون حمایت از سرمایه‌گذاران، حداکثرسازی سود، تصمیم‌گیری فردگرایانه و کارایی بازار را در صدر اولویت‌های گزارشگری مالی قرار می‌دهند (هاپوود، ۱۹۹۴؛ کلی، ۲۰۲۳). هنگامی که کشورهای دارای اکثریت مسلمان یا مؤسسات مالی اسلامی، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را اتخاذ می‌کنند، ناخواسته مبانی معرفت‌شناختی غربی‌ای را نیز وارد نظام گزارشگری خود می‌سازند که این استانداردها بر آن بنا شده‌اند. چنین وضعیتی تنشی ذاتی پدید می‌آورد؛ زیرا این مفروضات بنیادین ممکن است با چشم‌اندازهای اخلاقی اسلام که بر عدالت، انصاف توزیعی، رفاه اجتماعی و سعادت جمعی تأکید دارند، در تعارض قرار گیرند. در نتیجه، پذیرش این استانداردها غالباً به نوعی «وابستگی معرفت‌شناختی» می‌انجامد؛ وضعیتی که در آن، گزارشگری مالی اسلامی بیش از آنکه از سنت‌های اخلاقی و فکری اسلامی الهام بگیرد، توسط هنجارهای بازار جهانی شکل می‌گیرد. اگرچه چارچوب‌های حسابداری مبتنی بر شریعت، همچون PSAK Syariah در اندونزی و استانداردهای AAOIFI در بحرین، به‌منظور ارائه جایگزین‌هایی سازگار با اصول اسلامی توسعه یافته‌اند، اما این مطالعه مشاهده می‌کند که این چارچوب‌ها در ساختار خود همچنان به همتایان متعارف خود شبیه باقی مانده‌اند (عدنان و گافیکین، ۱۹۹۷؛ حسینی و اللاواتی، ۲۰۲۳). این اصلاحات غالباً صرفاً در کاربردهای خاصِ قراردادی نظیر مرابحه، مضاربه یا اجاره که در آن‌ها الزامات خاص شریعت باید بازتاب یابد، نمود پیدا می‌کنند. در مقابل، ملاحظات فلسفیِ عمیق‌تر مانند نقش حسابداری در تحقق عدالت اجتماعی (عدل)، توزیع عادلانه ثروت، همکاری متقابل (تعاون) و رفاه عمومی (مصلحت) همچنان در ساختارهای گزارشگری فعلی حاشیه‌ای باقی مانده‌اند. بر این اساس، استانداردهای حسابداری اسلامی ممکن است انطباق رسمی با شریعت را برآورده سازند، اما در تجسد بخشیدن به اهداف اخلاقی بنیادین اندیشه اقتصادی اسلامی ناتوان بمانند.

یکی از یافته‌های برجسته پژوهش حاضر، تسلط رویکردهای فنی و رویه‌ای در حسابداری اسلامی معاصر است. بسیاری از تلاش‌های نظارتی و نهادی، انطباق با قراردادهای شریعت را در اولویت قرار می‌دهند، بی‌آنکه از چارچوب‌های گزارشگری غربی فاصله بگیرند. این مشاهده، انتقادات پیشین حنیفه و هدیب (۲۰۰۷)، را تقویت می‌کند؛ آنان استدلال می‌کنند که مؤسسات مالی اسلامی اغلب بر هویت نمادین اسلامی مانند اصطلاحات و برندسازی تأکید می‌ورزند، بدون آنکه

www.jamv.ir
ISSN: 2645-4572

محتوای اخلاقی واقعی را در شیوه‌های گزارشگری خود تنفیذ کنند. به همین سیاق، مورر (۲۰۰۲)، و کاملا (۲۰۰۹)، هشدار می‌دهند که حسابداری اسلامی در معرض خطر تبدیل شدن به صرفاً «اسلام‌زدگی نمادین» است، مگر آنکه مبانی معرفت‌شناختی آن به‌طور جدی تقویت شود.

پیشرفت‌های شتابان فناوری، این چالش‌ها را تشدید کرده است. پلتفرم‌های فین‌تک اسلامی، سیستم‌های پرداخت دیجیتال، زنجیره‌های تأمین حلال مبتنی بر بلاکچین و سازوکارهای قراردادهای هوشمند، به روش‌های حسابداری نوینی نیاز دارند که هم‌زمان شفافیت، دقت و انطباق با شریعت را تضمین کنند. برای نمونه، فناوری بلاکچین سوابق تغییرناپذیر و قابلیت ردیابی پیشرفته‌ای فراهم می‌آورد — ویژگی‌هایی که با اصول اسلامی صداقت و شفافیت کاملاً سازگارند. با این حال، چنان‌که تافوتی (۲۰۲۰)، محمد و لاربانی (۲۰۲۰)، و رحمان (۲۰۲۵)، هشدار می‌دهند، اتوماسیون ممکن است به «بی‌طرفی اخلاقی» بینجامد: معاملاتی که بدون همان مشورت اخلاقی‌ای انجام می‌شوند که در فقه اسلامی محوریت دارد. افزون بر این، پلتفرم‌های دیجیتال جهانی به‌ندرت ملاحظات اخلاقی اسلامی را در معماری خود لحاظ می‌کنند و نگرانی‌هایی در حوزه‌های حاکمیت، حریم خصوصی، مشارکت در ریسک، سوگیری الگوریتمی و مدل‌های کسب‌وکار دیجیتالِ استثماری ایجاد می‌نمایند. این تحولات، هشدارهای الجمال (۲۰۰۶)، و آسوتای (۲۰۱۲)، را بازتاب می‌دهد که بر ضرورت مقاومت امور مالی و حسابداری اسلامی در برابر تکرار مدل‌های غربی بدون تنفیذ ارزش‌های اخلاقی اسلامی تأکید داشته‌اند.

در مجموع، این مطالعه نتیجه می‌گیرد که حسابداری اسلامی معاصر نیازمند تقویت و بازسازی معرفت‌شناختی است تا از تبدیل شدن به آنچه رودنیکی (۲۰۱۳، ۲۰۲۲) «حسابداری متعارف با تزئینات شرعی» می‌نامد، پیشگیری شود. برای پیشرفت در این مسیر، حسابداری اسلامی باید مقاصد شریعت، عدالت اجتماعی، توزیع اخلاقی منابع، شفافیت و پایداری را به‌مثابه «اصول بنیادینِ هدایت‌کننده گزارشگری مالی و حاکمیت نهادی» در کانون توجه قرار دهد.

سهم حسابداری اسلامی در گفتمان جهانی و بازسازی تمدنی

بخش پایانی یافته‌ها گویای آن است که حسابداری اسلامی از ظرفیت قابل‌توجهی برای اثرگذاری بر گفتمان‌های جهانی در حوزه اخلاق، پایداری و حاکمیت برخوردار است. این بخش از طریق سازماندهی تحلیل در سه بُعد متمایز، غنای بیشتری می‌یابد: (۱) مبانی هنجاری، (۲) همسویی‌های تجربی و مفهومی با چارچوب‌های جهانی، و (۳) پیامدهای تمدنی برای بازسازی. چنین ساختاری، امکان ارائه سهم حسابداری اسلامی را به‌شیوه‌ای عینی‌تر و نظام‌مندتر فراهم می‌آورد.

مبانی هنجاری: چارچوبی ارزش‌محور برای چالش‌های جهانی

حسابداری اسلامی بر پایه یک چارچوب اخلاقی جامع، برگرفته از آموزه‌های قرآنی و سنت نبوی، استوار است و نظام ارزشی منسجمی را ارائه می‌دهد که هم مسئولیت‌های فردی و هم رفاه اجتماعی را در بر می‌گیرد. اصول بنیادینی همچون امانتداری، حرمت غرر (ابهام و عدم‌اطمینان مفرط) و ربا (رباخواری)، سازوکارهای توزیع مجدد نهفته در زکات، وقف و انفاق، و تأکید جامع بر میزان (تعادل)، در کنار یکدیگر جهان‌بینی اقتصادی هنجاری‌ای را شکل می‌دهند که رفتار مالی و حاکمیت نهادی را هدایت می‌کند (چاپرا، ۲۰۰۸؛ دوسوکی و عبدالله، ۲۰۰۷). این ارزش‌ها به گفتمان کلامی محدود نمانده‌اند؛ شواهد تاریخی گواهی می‌دهند که آن‌ها ساختارهای اداری و اقتصادی جوامع نخستین مسلمانان را جهت بخشیده‌اند. نهادهایی چون بیت‌المال، نظام دیوان و مرجعیت حسبه، این الزامات اخلاقی را به سازوکارهای عملیاتیِ

www.jamv.ir
ISSN: 2645-4572

مدیریت منابع، پاسخ‌گویی عمومی و تنظیم‌گری بازار تبدیل ساختند. این انسجام هنجاری، در تقابل آشکار با بنیان‌های اخلاقی پراکنده و سستِ بسیاری از نظام‌های حاکمیتی مالی معاصر است که غالباً بر چارچوب‌های سکولار، تجزیه‌شده و صرفاً مبتنی بر انطباق تکیه می‌کنند. نظام‌های مالی مدرن اغلب در مواجهه با چالش‌های ساختاری از جمله بحران‌های مالی مکرر، گسترش نابرابری اجتماعی–اقتصادی و شتاب فزاینده تخریب زیست‌محیطی، با دشواری مواجه‌اند؛ امری که عمدتاً از تعهدات اخلاقیِ به‌سختی تنفیذشده در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی آن‌ها ناشی می‌شود. در نقطه مقابل، حسابداری اسلامی هدفِ اخلاقی را در هسته مرکزی عمل مالی جای می‌دهد و فرایندهای حسابداری را با اهداف کلانی چون عدالت (عدل)، شفافیت (بیان)، رفاه اجتماعی (مصلحت) و مسئولیت زیست‌محیطی پیوند می‌زند. حسابداری اسلامی با ارائه جایگزینی ارزش‌بنیاد که هم اصولی است و هم اعتبار تاریخی‌اش به اثبات رسیده، چارچوبی جامع فراهم می‌آورد که توان اثرگذاری بر گفتمان‌های جهانی پیرامون مالی پایدار، حاکمیت اخلاقی و توسعه اقتصادی مسئولانه را داراست. رویکرد یکپارچه آن، این دانش را نه صرفاً به‌مثابه نظامی فنی برای سنجش و گزارشگری، بلکه به‌عنوان الگویی تحول‌آفرین با ظرفیت مشارکت معنادار در حل چالش‌های اجتماعی–اقتصادی و زیست‌محیطی مبرم جهان معرفی می‌کند.

همسویی با چارچوب‌های جهانی: نقاط همگرایی عینی

یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده همگرایی بنیادینی میان اصول پاسخ‌گویی اسلامی و چارچوب‌های پایداری جهانی معاصر است. این همسویی در ابعاد اجتماعی–اقتصادی، زیست‌محیطی و حاکمیتی آشکار است و مؤید آن است که حسابداری اسلامی ارزش‌ها و رویه‌های نهادی‌ای را در بر می‌گیرد که با بسیاری از اهداف مندرج در استانداردهای توسعه پایدار و معیارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی هم‌راستا هستند. نخست، در حوزه توزیع مجدد اجتماعی–اقتصادی، ابزارهایی چون زکات، وقف و انفاق به‌مثابه سازوکارهای نهادینه‌شده‌ای عمل می‌کنند که ثروت را به سوی گروه‌های آسیب‌پذیر هدایت می‌کنند. ارزیابی‌های تجربی از مؤسسات زکات در مالزی، اندونزی و کشورهای حوزه خلیج فارس، اثربخشی این نهادها را در کاهش فقر، حمایت از کسب‌وکارهای خرد و فراهم‌سازی شبکه‌های ایمنی اجتماعی به اثبات رسانده است. چنین نتایجی به‌طور مستقیم با هدف اول توسعه پایدار، ریشه‌کنی فقر هم‌خوانی دارد.

دوم، تأکید دیرینه تمدن اسلامی بر اخلاق زیست‌محیطی و مدیریت منابع، با اولویت‌های پایداری جهانی قرابت عمیقی دارد. آموزه‌های بنیادین در باب «خلافت» (به‌مثابه امانت‌داری انسان در زمین) و ممنوعیت «اسراف»، شالوده‌ای اخلاقی و نظارتی برای پاسخ‌گویی زیست‌محیطی فراهم می‌آورد. رویه‌های تاریخی در نهاد «حسبه» جایی که ناظران بازار بر صحت قیمت‌گذاری، استاندارد بودن سیستم‌های توزین و استفاده مسئولانه از منابع نظارت داشتند، نشان می‌دهد که چگونه این اصول اخلاقی به‌مثابه سازوکارهای حاکمیتی عملیاتی می‌شدند (کاملا و همکاران، ۲۰۰۶). چنین سوابقی، راهبردهای معناداری برای ادغام اخلاق زیست‌محیطی در چارچوب‌های مدرنِ ارزیابیِ «معیارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی» ارائه می‌دهند.

سوم، هنجارهای اسلامیِ مرتبط با حاکمیت، شفافیت و مبارزه با فساد، شباهت‌های ساختاری آشکاری با استانداردهای حاکمیتی جهانی دارند. ارزش‌هایی چون «صدق» (راست‌گویی)، «عدل» (عدالت) و «بیان» (وضوح)، زیربنای انتظارات مربوط به پاسخ‌گویی در سنت اسلامی را تشکیل می‌دهند. سوابق تاریخی، از جمله شیوه‌های حسابرسی در دوران خلافت عمر و مقررات اداری عصر عباسیان، رویکردهای پیشرفته‌ای را برای نظارت بر بودجه عمومی و پیشگیری از سوءاستفاده‌های مالی آشکار می‌سازد (لوئیس، ۲۰۰۶). این نمونه‌ها نشان‌دهنده تداوم نهادی میان سنت‌های گذشته و

www.jamv.ir
ISSN: 2645-4572

تلاش‌های معاصر برای ارتقای سلامت و شفافیت در گزارشگری مالی است. در مجموع، این همگرایی‌ها بیانگر آن است که حسابداری اسلامی نه تنها از نظر هنجاری با دستورکارهای اخلاقی جهانی همسو است، بلکه توسط شواهد تاریخیِ اجرای عملی نیز پشتیبانی می‌شود.

پیامدهای تمدنی: به سوی حسابداری اسلامی به‌مثابه یک الگوی تحول‌آفرین

یافته‌ها حاکی از آن است که حسابداری اسلامی از ظرفیت قابل‌توجهی برای مشارکت نه‌تنها در اصلاحات نهادی، بلکه در نوسازی گسترده‌تر تمدنی (تجدید حضری) برخوردار است. این پتانسیل ناشی از ظرفیت منحصربه‌فرد آن در ادغام اصول اخلاقی، معنوی و اجتماعی–اقتصادی در یک چارچوب واحدِ پاسخ‌گویی است. حسابداری اسلامی، چنانچه بر پایه ارزش‌های کلاسیک چون عدالت (عدل)، مباشرت (خلیفه) و رفاه عمومی (مصلحت) استوار گردد، می‌تواند از سطح یک مکانیسم فنیِ گزارشگری فراتر رفته و در قامت یک الگوی هنجاریِ توانمند برای پاسخ‌گویی به چالش‌های مدرن جهانی ظاهر شود. این دیدگاه با استدلال‌های مطرح‌شده توسط نصر (۱۹۹۶)، آسوتای (۲۰۰۷)، و حنیف و فرقانی (۲۰۱۱)، هم‌راستا است که بر ضرورت پیوند مجدد شیوه‌های اقتصادی با مبانی معنوی و اخلاقی تمدن اسلامی تأکید می‌ورزند. با این حال، تحقق این پتانسیلِ دگرگون‌ساز، نیازمند رویکردی میان‌رشته‌ای است که از فقه اسلامی، تاریخ اقتصادی، علم پایداری و نوآوری‌های دیجیتال بهره ببرد. چنین ادغامی، حسابداری اسلامی را قادر می‌سازد تا منظری جامع از پاسخ‌گویی ارائه دهد که هم‌زمان دربرگیرنده صداقت مالی، عدالت اجتماعی، مسئولیت زیست‌محیطی و آگاهی معنوی باشد. در این میان، فناوری‌های نوظهور فرصت‌های ویژه‌ای فراهم می‌آورند: فناوری بلاکچین می‌تواند شفافیت در توزیع زکات را ارتقا بخشد، پلتفرم‌های دیجیتال می‌توانند دقت در حسابرسی‌های زیست‌محیطی را افزایش دهند، و تأیید زنجیره تأمین اخلاقی مبتنی بر داده می‌تواند هنجارهای اسلامی را در بازارهای جهانی عملیاتی سازد. از طریق این تحولات، حسابداری اسلامی می‌تواند به عاملی مؤثر در گفتمان اخلاقی جهانی تبدیل شده و الگوهایی برای توزیع عادلانه‌تر ثروت، مدیریت پایدار منابع و حکمرانی اخلاقی ارائه دهد. با انجام این مهم، حسابداری اسلامی این فرصت را خواهد یافت تا جایگاه تمدن اسلامی را به‌مثابه مشارکت‌کننده‌ای سازنده در شکل‌دهی به نظام‌های اقتصادیِ عادلانه‌تر، انسانی‌تر و پایدارتر در سراسر جهان بازتعریف نماید.

تحقیقات آتی

بر اساس یافته‌های این مطالعه، چندین جهت مهم برای تحقیقات آینده در حسابداری اسلامی پدیدار می‌شود. اول، نیاز مبرمی به بازسازی عمیق‌تر معرفت‌شناختی وجود دارد. حسابداری اسلامی معاصر همچنان به شدت تحت تأثیر چارچوب‌های غربی است و تحقیقات آینده باید در جهت توسعه یک مدل یکپارچه مبتنی بر متافیزیک، اخلاق و اهداف اجتماعی–اقتصادی اسلامی تلاش کنند. چنین تلاش‌هایی به تغییر جایگاه حسابداری اسلامی به عنوان یک الگوی ارزش‌محور به جای تطبیق فنی سیستم‌های متعارف کمک می‌کند. علاوه بر این، تحقیقات آینده از تحلیل تمدنی تطبیقی بهره خواهند برد. با بررسی نقاط اشتراک و تضاد بین اصول حسابداری اسلامی و سایر سنت‌های اخلاقی – مانند اخلاق مدیریت یهودی–مسیحی، اخلاق اقتصادی کنفوسیوسی یا سیستم‌های پاسخگویی بومی – محققان می‌توانند گفتگوی جهانی در مورد امور مالی اخلاقی را گسترش داده و اصول جهانی رفتار اقتصادی مسئولانه را شناسایی کنند.

www.jamv.ir
ISSN: 2645-4572

مطالعات بیشتری لازم است تا روشن شود که چگونه بلاکچین، هوش مصنوعی، دارایی‌های دیجیتال و قراردادهای هوشمند می‌توانند با الزامات شریعت همسو شوند. مسائل مربوط به صدور گواهینامه حلال دیجیتال، حسابرسی‌های خودکار و شفافیت فناوری نیاز به بررسی دقیق دارند تا اطمینان حاصل شود که نوآوری با مرزهای اخلاقی اسلامی سازگار است. جهت‌گیری مهم دیگر شامل پایداری و ادغام زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی است. تحقیقات تجربی باید بررسی کنند که چگونه می‌توان مقاصد شریعت را در چارچوب‌های گزارش پایداری عملیاتی کرد و مؤسسات اسلامی را قادر ساخت تا نه تنها عملکرد مالی، بلکه تأثیر اجتماعی، مدیریت زیست‌محیطی و حاکمیت اخلاقی را نیز اندازه‌گیری کنند. علاوه بر این، درک ابعاد رفتاری و فرهنگی رویه‌های حسابداری اسلامی ضروری است. بررسی چگونگی درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی اسلامی توسط مدیران، حسابرسان و مؤسسات مسلمان ممکن است شکاف‌هایی را بین آرمان‌های هنجاری و رفتار واقعی سازمانی آشکار کند. در نهایت، تحقیقات در مورد توسعه مقررات و سیاست‌ها، به ویژه در مورد هماهنگ‌سازی استانداردهای AAOIFI، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و مقررات ملی شریعت مورد نیاز است. چنین کاری می‌تواند از بازارهای مالی اسلامی جهانی منسجم‌تر پشتیبانی کند و اعتبار و قابلیت مقایسه گزارشگری مالی اسلامی را تقویت کند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی سیر تکامل حسابداری اسلامی در تمدن اسلامی، تحلیل وضعیت عملکردی آن در عصر حاضر و تبیین ظرفیت‌های آن در مشارکت در گفتمان‌های جهانی پیرامون اخلاق و پایداری انجام شد. یافته‌های حاصل از این مطالعه، با موفقیت بر تمامی اهداف پژوهش صحه می‌گذارند. نخست، نتایج نشان داد که حسابداری اسلامی از ریشه‌های تاریخی عمیقی برخوردار است که از دوران نبوی آغاز شده و در دوران خلفای راشدین و سلسله عباسیان، به ساختاری نهادینه و ممیزی‌شده دست یافت. این رویه‌های اولیه، فراتر از یک نظام اداری صرف، بر بنیان ارزش‌های بنیادینی نظیر صداقت، عدالت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی استوار بودند. این یافته، فرضیه مطرح‌شده در مقدمه را تأیید می‌کند که حسابداری اسلامی نه یک فرآیند فنی و صرف، بلکه تجلی عملی یک چارچوب اخلاقی و تمدنی است. دوم، مطالعه حاضر تأکید می‌کند که حسابداری اسلامی در دوران معاصر با چالش‌های ساختاری و معرفت‌شناختی جدی مواجه است. تسلط استانداردهای مدرن مبتنی بر مفروضات حسابداری غربی و ظهور فناوری‌های دیجیتال، پرسش‌های نوینی را در خصوص انطباق با شریعت برانگیخته است. این وضعیت گویای آن است که حسابداری اسلامی برای دستیابی به استقلال عملیاتی و بازنمایی اصیل ارزش‌های خود، نیازمند بازسازی و تقویت بنیان‌های معرفت‌شناختی خویش است تا از پدیده «اسلام‌زدگی نمادین» فاصله گیرد. با این حال، علی‌رغم چالش‌های موجود، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حسابداری اسلامی پتانسیل بالایی برای پاسخگویی به بحران‌های جهانی نظیر بی‌ثباتی زیست‌محیطی، نابرابری‌های ساختاری و بحران‌های حاکمیتی دارد. اصول محوری این نظام یعنی عدالت، شفافیت و رفاه اجتماعی در جهانی که با بحران‌های اخلاقی و زیست‌محیطی دست‌به‌گریبان است، بیش از هر زمان دیگری کارآمد و مبرم هستند. این مطالعه نشان می‌دهد که حسابداری اسلامی با ارائه یک رویکرد منسجم و ارزش‌محور مبتنی بر اعتماد و رفاه جمعی، می‌تواند الگویی جایگزین برای نظام‌های مالی سنتی ارائه دهد.

جدول (۱): تحلیلی سنتز یافته‌ها: حسابداری اسلامی از منظر تاریخی، معرفت‌شناختی و هنجاری

بُعد تحلیلی	یافته‌های کلیدی	چارچوب نظری	پیامد نظری و کاربردی
مبانی تاریخی–	شکل‌گیری نهادهای حسابداری و ممیزی در	رویکرد نهادی تاریخی؛	بازخوانی حسابداری به‌مثابه

www.jamv.ir
ISSN: 2645-4572

نهادی	سیره نبوی و دوره عباسیان؛ کارکرد مستندسازی مالی در دیوان‌ها، بیت‌المال و نهاد حسبه به‌مثابه پاسخگویی عمومی نه صرفاً کنترل درونی سازمان.	مطالعات حسابداری تمدنی	فناوری اخلاقی حکمرانی؛ ارائه شواهد تاریخی علیه ادعای خنثی بودن ارزشی حسابداری.
بحران معرفت‌شناختی	هژمونی ادراه‌های مبتنی بر IFRS و منطق سودمحور سهامداری؛ تقلید ساختاری از قالب‌های متعارف در AAOIFI و PSAK Syariah؛ بروز پدیده اسلامی‌سازی نمادین در سطح اتکایی	نقد پسااستعماری حسابداری؛ عدنان و گافیکین (۱۹۹۷)؛ حنیفا و هادیات (۲۰۰۷)؛ رودنیکی (۲۰۱۳، ۲۰۲۲)	ضرورت استقلال معرفتی و گذار از انطباق شکلی به اصالت مقاصدی در تدوین استاندارد.
گفتمان فناوری و اخلاق دیجیتال	فین‌تک، بلاکچین و قراردادهای هوشمند در نبود قید هنجاریِ مقاصد شریعت، دچار بی‌طرفی اخلاقی می‌شوند؛ شفافیت فنی لزوماً به شفافیت اخلاقی ترجمان نمی‌شود.	تافوتی (۲۰۲۰)؛ محمد و لاربانی (۲۰۲۰)؛ رحمان (۲۰۲۵)	لزوم تدوین حکمرانی اخلاقی فناوری‌های مالی اسلامی و شریعت‌پژوهی فناورانه.
ظرفیت هنجاری جهانی	هم‌گرایی معنایی اصول اسلامی (عدل، بیان، مصلحت) با چارچوب‌های ESG و SDG؛ کارکرد ابزارهای توزیعی (زکات، وقف، انفاق) در اصلاح نابرابری ساختاری و تأمین مالی اجتماعی.	ادبیات پاسخگویی اجتماعی اسلامی؛ چاپرا (۲۰۰۸)؛ دوسوکی و عبداله (۲۰۰۷)	ارائه حسابداری اسلامی به‌مثابه الگوی جایگزین ارزش‌محور در گفتمان جهانی گزارشگری پایداری.

منابع

- ✓ کشاورزی‌نژاد، حسین، شهری، مریم، اسکو، وحید، عبدلی، محمدرضا، (۱۴۰۲)، ارزیابی چارچوب گزارشگری پایداری مبتنی‌بر شریعت تحت‌تأثیر ظهور محورهای متاورس در حسابداری، تحقیقات مالی اسلامی، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۱۰۹-۱۵۰.
- ✓ Adnan, M. A., & Gaffikin, M. The Shari'ah, Islamic banks and accounting concepts and practices. In Accounting, Commerce and Finance: the Islamic Perspective International Conference, University of Western Sydney, Macarthur.
- ✓ Adyaputri, E., & Surawan, S. (2025). Transaksi Digital Paylater Terhadap Perilaku Konsumtif Generasi Z Pada Mahasiswa IAIN Palangka Raya. Educatia: Jurnal Pendidikan dan Agama Islam, 15(1), 61-75. https://doi.org/10.69879/jq7mdh93
- ✓ Alamad, S. (2025). Conceptualising accounting as a value-based concept in the context of alternative finance. Journal of Accounting Literature, 47(2), 378-403. https://doi.org/10.1108/JAL-032023-0042
- ✓ Aleraig, M. A., & Asutay, M. (2023). The Impact of Islamic Worldview on Shaping the Accounting System: An Islamic Moral Economy and Historical Exploration in Rationalizing Islamic Accounting. In Islamic Accounting and Finance: A Handbook (pp. 43-97).
- ✓ Al-Mawardi, A. (1996). Al-Aḥkām al-Sultāniyyah [The Ordinances of Government] (ʿAbd al-Salām Muḥammad Hārūn, Ed.). Beirut, Lebanon: Dār al-Kutub al-ʿIlmīyah.
- ✓ Al-Shuqairat, H. R., Al-Maani, A.-A. R. M., & Aldajah, M. N. (2025). Islamic Historiography and Modernity: A Systematic Literature Review on the Evolution of

Muslim Societies in the Postcolonial Era. Journal of Islamic Thought and Civilization, 15(1), 240-260. https://doi.org/10.32350/jitc.151.14

- ✓ Andrianto, A., Syah, I., & Wibowo, T. H. (2026). Behavior Based Conceptual Model of Sharia Accounting Model: Integrating, Ethics, Intention and Sharia Compliance. Journal of Accounting Science, 10(1), 204–221. https://doi.org/10.21070/jas.v10i1.2048
- ✓ Asutay, M. (2007). A political economy approach to Islamic economics: Systemic understanding for an alternative economic system. International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management, 1(2), 132–148. https://doi.org/10.1108/17538390710748568
- ✓ Asutay, M. (2012). Conceptualising and locating the social failure of Islamic finance: Aspirations of Islamic moral economy vs the realities of Islamic finance. Asian and African area studies, 11(2), 93-113. https://doi.org/10.14956/asafas.11.93
- ✓ Asutay, M. (2012). Conceptualising the social failure of Islamic finance: Towards a new paradigm. Humanomics, 28(3), 177–193. https://doi.org/10.1108/08288661211265335
- ✓ Auda, J. (2022). Re-envisioning Islamic scholarship: Maqasid methodology as a new approach. Claritas Books.
- ✓ Baydoun, N., & Willett, R. (2000). Islamic corporate reports. Abacus, 36(1). https://doi.org/10.1111/1467-6281.00054
- ✓ Bowen, G. A. (2009). Document analysis as a qualitative research method. Qualitative research journal, 9(2), 27-40. https://doi.org/10.3316/QRJ0902027
- ✓ Calder, R. (2020). Sharīʿah-compliant or Sharīʿah-based? The changing ethical discourse of Islamic finance. Arab Law Quarterly, 35(1-2), 50-73. https://doi.org/10.1163/15730255-BJA10008
- ✓ Chapra, M. U. (2008). Islam and economic development. Harvard University
- ✓ Cizakca, M. (2011). Islamic Capitalism and Finance: Origins, Evolution and the Future. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- ✓ Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2016). Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches. Sage publications.
- ✓ Denzin, N. K. (2018). The qualitative manifesto: A call to arms. Routledge.
- ✓ Dusuki, A. W. (2008). Banking for the poor: the role of Islamic banking in microfinance initiatives. Humanomics, 24(1), 49-66. https://doi.org/10.1108/08288660810851469
- ✓ Dusuki, A. W., & Abdullah, N. I. (2007). Maqasid al-Shariah, Maslahah, and corporate social responsibility. American Journal of Islamic Social Sciences, 24(1), 25. https://doi.org/10.1108/17538390710748568
- ✓ El-Gamal, M. A. (2006). Islamic Finance: Law, Economics, and Practice. Cambridge: Cambridge University Press.
- ✓ Fairclough, N. (2013). Critical discourse analysis: The critical study of language. Routledge.
- ✓ Gadamer, H. G. (2004). Il problema della coscienza storica. Guida Editori.
- ✓ Ghazanfar, S. M., & Islahi, A. A. (1997). Economic thought of al-Ghazali. Jeddah: Scientific Publisihing Centre King Abdulaziz Univesity.
- ✓ Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1994). Competing paradigms in qualitative research. Handbook of qualitative research, 2(163-194), 105.
- ✓ Hameed, S. (2000). The need for Islamic Accounting: Perception of its objectives and characteristics by Malaysia accountants and academics. Unpublished Ph. D. thesis. United Kingdom: University of Dundee.
- ✓ Haneef, M. A. (2005). Can there be an economics based on religion? The case of Islamic economics. Post-Autistic Economics Review, 34(3), 41-52.

- ✓ Haneef, M. A., & Furqani, H. (2013). Methodology Of Islamic Economics: Overview of Present State and Future Direction. International Journal of Economics, Management and Accounting, 19(1). https://doi.org/10.31436/ijema.v19i1.175
- ✓ Haniffa, R. M., & Cooke, T. E. (2002). Culture, corporate governance and disclosure in Malaysian corporations. Abacus, 38(3), 317-349. https://doi.org/10.1111/1467-6281.00112
- ✓ Haniffa, R., & Hudaib, M. (2001, February). A conceptual framework for Islamic accounting: The Shari'a paradigm. In Accounting, Commerce and Finance: The Islamic Perspective International Conference IV, New Zealand (pp. 12-14).
- ✓ Haniffa, R., & Hudaib, M. (2007). Exploring the ethical identity of Islamic banks via communication in annual reports. Journal of Business Ethics, 76(1), 97–116. https://doi.org/10.1007/s10551-0069295-5
- ✓ Hassan, M. K., & Raza Rabbani, M. (2023). Sharia governance standards and the role of AAOIFI: a comprehensive literature review and future research agenda. Journal of Islamic Accounting and
- ✓ Business Research, 14(5), 677-698. https://doi.org/10.1108/JIABR-04-2022-0111
- ✓ Hidayat, S. E., Musari, K., Masrohatin, S., & Smolo, E. (2024). The Future of Islamic Finance. In The Future of Islamic Finance (pp. 221-242). Emerald Publishing Limited. https://doi.org/10.1108/978-1-83549-906-120241014
- ✓ Hopwood, A. G. (1987). The archeology of accounting systems. Accounting, organizations and society, 12(3), 207-234. https://doi.org/10.1016/0361-3682(87)90038-9
- ✓ Hopwood, A. G. (1994). Accounting and everyday life: an introduction. Accounting, Organizations and Society, 19(3), 299-301. https://doi.org/10.1016/0361-3682(94)90037-X
- ✓ Hopwood, A. G., & Miller, P. (Eds.). (1994). Accounting as social and institutional practice (Vol. 24). Cambridge University Press.
- ✓ Howell, M., & Prevenier, W. (2001). From Reliable Sources: An Introduction to Historical Methods (2nd ed.). Ithaca, NY: Cornell University Press. Journal
- ✓ Huda, N., & Abdullah, N. (2014). The spiritual dimension of Islamic accountability: The role of ḥisbah. of Islamic Accounting and Business Research, 5(3), 210–227. https://doi.org/10.1108/JIABR-11-2012-0062
- ✓ Huda, S. (2026). Economic Sharia Towards a Civilized Accounting Framework: Integrating Maqashid al Shariah, Anthropocosmic Vision, and Social Sustainability: Accounting Sharia. Proceeding International Conference on Islam, Law, and Society (INCOILS), 5(1). https://doi.org/10.70062/incoils.v5i1.414
- ✓ Hudaib, M. A. (2025). The Raid of Neoliberalism on Accounting Standard Setting of Indonesian Islamic Financial Institutions. Journal of Economic Cooperation & Development, 46(2).
- ✓ Hussainey, K., & Al Lawati, H. (Eds.). (2023). Islamic accounting and finance: A handbook (Vol. 6). World Scientific.
- ✓ Ibn Khaldūn, I. (2015). The Muqaddimah: An Introduction to History (F. Rosenthal, Trans.). Princeton, NJ: Princeton University Press.
- ✓ Ibn Taymiyyah, A. (1997). Majmūʿ al-Fatāwā (Vol. 28). Cairo, Egypt: Dār al-Wafāʾ.
- ✓ IFSB. (2023). Islamic Financial Services Industry Stability Report 2023. Islamic Financial Services Board. https://www.ifsb.org
- ✓ Islahi, A. A. (2015). Economic Concepts of Ibn Taimiyah (Vol. 12). Kube Publishing Ltd.
- ✓ Kadi, S. (2025). Accounting and Legal Disputes in Islamic Banking and Finance. Journal of Islamic Economic Laws, 8(1), 19-40. https://doi.org/10.23917/jisel.v8i01.6915
- ✓ Kahf, M. (1999). Financing the Development of Awqaf Property . American Journal of Islam and Society, 16(4), 39–66. https://doi.org/10.35632/ajis.v16i4.2099

- ✓ Kahf, M. (2005, November). Basel II: implications for Islamic banking. Retrieved from Paper Written for the 6th International Conference on Islamic Economics and Banking. Jakarta: http://monzer. com/papers/english/Basel_II_Implications_for_Islamic_Banking_FOR_6TH_CONFERENCE_IN_JAKARTA. pdf. kahf.
- ✓ Kamla, R. (2009). Critical insights into contemporary Islamic accounting. Critical perspectives on accounting, 20(8), 921-932. https://doi.org/10.1016/j.cpa.2009.01.002
- ✓ Kamla, R., Gallhofer, S., & Haslam, J. (2006). Islam, nature and accounting: Islamic principles and the notion of accounting for the environment. Accounting Forum, 30(3), 245–265. https://doi.org/10.1016/j.accfor.2006.05.003
- ✓ Karim, R. A. A. (2001). Islamic Financial Systems: Principles & Operations (2nd ed.). London: Euromoney.
- ✓ Kelly, M. (2023). Wealth Supremacy: How the Extractive Economy and the Biased Rules of Capitalism Drive Today's Crises. Berrett-Koehler Publishers.
- ✓ Khaldun, I., & Monteil, V. M. (1967). al-Muqaddima. Sindbad.
- ✓ Khan, H., & Sadia, H. (2025). The Impacts of Government Policies on Sharīʿah Governance in Islamic Finance. https://ssrn.com/abstract=5259281 or http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.5259281
- ✓ Kuran, T. (2012). The Long Divergence: How Islamic Law Held Back the Middle East. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- ✓ Lewis, H. R. (2006). Excellence without a soul: How a great university forgot education (pp. 1995-2003). New York: PublicAffairs.
- ✓ Maali, B., & Napier, C. (2010). Accounting, religion and organisational culture: the creation of Jordan Islamic Bank. Journal of Islamic Accounting and Business Research, 1(2), 92-113. https://doi.org/10.1108/17590811011086705
- ✓ Malek, B. M. (1997). Interpreting stories ascribed to Prophet Muhammad for teaching morality (Doctoral dissertation, University of Pittsburgh).
- ✓ Maurer, B. (2002). Repressed futures: financial derivatives' theological unconscious. Economy and Society, 31(1), 15–36. https://doi.org/10.1080/03085140120109231
- ✓ Mohammed, S., & Larbani, M. (2020). Blockchain and smart contracts in Islamic finance: potential and Shariah challenges. International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management, 13(3), 385–403. https://doi.org/10.1108/IMEFM-01-2018-0037
- ✓ Morshed, A. (2024). Comparative analysis of accounting standards in the Islamic banking industry: a focus on financial leasing. Journal of Islamic Accounting and Business Research. https://doi.org/10.1108/JIABR-12-2022-0349
- ✓ Napier, C. (2009). Defining Islamic accounting: current issues, past roots. Accounting History, 14(12), 121-144. https://doi.org/10.1177/1032373208098555
- ✓ Nasr, S. V. R. (1996). Mawdudi and the making of Islamic revivalism. Oxford University Press.
- ✓ Rahman, M. M. (2025). Blockchain for Halal Integrity in Health Care: Enhancing Compliance, Ensuring Benefits. In Using Blockchain Technology in Healthcare Settings (pp. 232-262). CRC Press.
- ✓ Rahman, A. S., & Amalia, A. (2026). Cultural Awareness and the Implementation of a Sharia-Based Transactional System in Islamic Early Childhood Education . Journal of Educational Management Research, 5(4), 4330–4340. https://doi.org/10.61987/jemr.v5i4.2642
- ✓ Rodinson, M. (1978). Islam and Capitalism. New York, NY: Pantheon Books.

- ✓ Rudnyckyj, D. (2013). From wall street to Halal street: Malaysia and the globalization of Islamic Finance. The Journal of Asian Studies, 72(4), 831-848. https://doi.org/10.1017/S0021911813001630
- ✓ Rudnyckyj, D. (2022). Reconsidering Capitalism And Islam In Southeast Asia. Routledge Handbook of Islam in Southeast Asia, 144-154.
- ✓ Sartika, M., Wikan Isthika, & Hayu Wikan Kinasih. (2026). Human Resource Management in Sharia Accounting Reporting Within Indonesia's Halal Industry: A Literature Review. Jurnal Halal Center, 1(1), 102-114. https://doi.org/10.28918/jhc.v1i1.14188
- ✓ Sulaiman, M. (2003). The influence of riba and zakat on Islamic accounting. Indonesian management and Accounting review, 2(2), 149-167.
- ✓ Sulaiman, M., & Willett, R. (2003). The changing nature and practice of accountability in Islamic banks.
- ✓ Accounting, Auditing & Accountability Journal, 16(5), 640–670. https://doi.org/10.1108/09513570310492348
- ✓ Ṭabarī, & Perlmann, M. (1987). The History of al-Tabari. State University of New York Press.
- ✓ Tafotie, R. (2020). Fostering Digital Financial Services in Africa: a case of embracing innovation for business and inclusion. University of Luxembourg Law Working Paper, (2020-005). https://ssrn.com/abstract=3557808 or http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3557808
- ✓ Taymiyyah, I. (2005). Baik dan Buruk. Serambi Ilmu Semesta.
- ✓ Thommandru, A., Rakhmanov, A., Tillaboev, S., & Mone, V. (2024). Historical Paths and Contemporary Evolution of Sharia-Compliant Finance in Central Asian Regions. Legal Information Management, 24(3), 191–202. doi:https://doi.org/10.1017/S1472669624000422
- ✓ Triyuwono, I. (2015). Ethical foundations of Islamic accounting. Journal of Islamic Accounting and Business Research, 6(1), 2–20. https://doi.org/10.1108/JIABR-06-2014-0023
- ✓ Zahid, R. A., Khan, M. K., & Demir, V. (2024). Accounting in the shadows of tradition: the role of national culture. Management Decision, 62(3), 1060-1083. https://doi.org/10.1108/MD-12-20221748
- ✓ Zainuddin, Y., Hassan, A., & Al-Tamimi, H. (2021). Digital transformation in Islamic banking: A Shariah governance perspective. Journal of Islamic Accounting and Business Research, 12(7), 1001–1020. https://doi.org/10.1108/JIABR-03-2020-0094